

ضروری است. [...] اروپا یکباره خلق نخواهد شد و یکباره نیز ساخته نخواهد شد. فقط با پیش‌فرض انسجام و همبستگی می‌تواند به دستاوردهای ملموس برسد.» جای تعجب نیست، که از تاریخ این سخنرانی مهم، ۹ مه به عنوان روز اروپا یاد می‌شود. ایجاد انجمن زغال سنگ و فولاد اروپا تحکیم‌بخش راهبردی بخش‌های اقتصاد اروپا بوده است. از این رهگذر کشورهای عضو برای رسیدن به پیشرفت بیشتر، نه تنها به ادغام اقتصادی، بلکه به ادغام سیاسی و نظامی نیز دست زدند تا مسائل قاره کهن را حل نمایند. جامعه اقتصادی اروپا (نیای واقعی اتحادیه اروپای فعلی) و جامعه انرژی اقیانوس اروپا در سال ۱۹۵۷ در رُم به دنیا آمدند. باین‌حال، خود اتحادیه اروپا در تاریخ ۷ فوریه سال ۱۹۹۲ با پیمان ماستریخت متولد شد. از این لحظه به بعد، نظام یکپارچه‌ساز مشکل می‌شود، زیرا نه تنها اقتصاد، بلکه تمام جنبه‌های مختلف را با توجه به ویژگی‌های خود در بر می‌گیرد. با - آخرین مرحله روند ادغام تا به امروز - کشورهای عضو دیگر به تنهایی

آنچه امروزه اتحادیه اروپا می‌نامیم محصول یک تکامل تاریخی است. ابتدا باید به خاطر داشته باشیم که در حرکت به سوی ایجاد یک اتحادیه از کشورها یا مناطق مختلف، شناخت روش انجام آن و اتمام آن نیز اهمیت دارد. به عنوان نمونه انجمن زغال سنگ و فولاد اروپا در سال ۱۹۵۱ در پاریس تأسیس شد و الگوی تشکیل اتحادیه اروپا قرار گرفت. این انجمن یکپارچه‌سازی را بر مبنای چند نکته کلیدی در پیش گرفت:

- رواج سازمان‌هایی که نمایندگی دولت را به عهده ندارند و فقط نماینده خود هستند.
- رواج حکومت اکثریت با هدف غلبه بر وتو برای ممانعت از روند ادغام.
- ایجاد حاشیه اطمینانی گسترده به منظور اتخاذ اقدامات/قانون‌های الزام‌آور و نه مواردی که ویژگی مشاوره‌ای دارند.
- کنترل قانونی، به منظور نظارت بر اجرای موثر یک قانون اجباری، با سازوکار تحریم‌ها در صورت تخلف.

این روش، به لطف سخنرانی معروف رابرت شومان، وزیر خارجه فرانسه در سال ۱۹۵۰ ایجاد شد. او گفت: «کمکی که اروپای متحد می‌تواند به تمدن بنماید برای حفظ روابط صلح آ میز

به صورت جداگانه در میان غول‌هایی مانند ایالات متحده آمریکا (اقتصاد اول جهان با ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت)، چین (بیش از یک میلیارد جمعیت و نیز اقتصاد دوم جهان)، هند (بیش از یک میلیارد نفر جمعیت، یکی از ۴ قدرت اقتصادی بالای جهان) و روسیه (بزرگترین کشور در جهان با بیش از ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت و پتانسیل‌های هسته‌ای قابل مقایسه با آمریکا) بتوانند در جهان به چشم ببینند، خیال خوش‌بینانه‌ای بیشتر نیست. حتی آلمان به تنهایی نمی‌تواند این غول‌ها را به زحمت ببندد، چه برسد به سایر کشورها. پاسخ به این پیچیدگی‌های سیاست جهانی، یک اروپای متحد و مستقل است که از لحاظ نظامی یا اقتصادی اشغال نشده باشد. به عبارت دیگر، اگر بخواهیم از اتحادیه اروپا و نهادهای آن به شیوه‌ای جدی و سازنده انتقاد کنیم، سوال اصلی که باید به آن پرداخت عدم وجود ارتباط بین سران اتحادیه، موسسات و شهروندان است.

تکامل تاریخی اتحادیه اروپا

در ایتالیا، به عنوان مثال، مشارکت مردم در انتخابات اروپا بسیار کم است. مثلاً در انتخابات ۲۰۰۹ اروپا، مشارکت مردم ۶۵ درصد بود، یعنی خیلی کمتر از میزان مشارکت در انتخابات ملی ایتالیا. برای مثال در انتخابات ملی ایتالیا (انتخابات مجلس) میانگین مشارکت، هرگز کمتر از ۷۵ درصد نشده است. این نارضایتی ناشی از مخالفت با نهادهای اروپایی است و به مردم یا رأی‌دهندگان مربوط نمی‌شود. در واقع، تنها نهاد منتخب مردم، پارلمان اتحادیه اروپا است که برخلاف پارلمان‌های ملی، هیچ قدرت قانونی واقعی ندارد و حداکثر در برخی موارد درباره تصمیماتی که در جاهای دیگر مثل کمیسیون اروپا گرفته شده است، نظر مشورتی می‌دهد. با این حال، برای درک سازوکار آن و فقدان دموکراسی در آن ابتدا باید قدرت نهادهای اروپایی، هم در روابط بین ارگان‌ها و موسسات (پارلمان اروپا، کمیسیون و غیره) مختلف و هم هر آنچه مربوط به تقسیم توانایی‌ها و ظرفیت‌ها بین اتحادیه و کشورهای عضو است را درک کرد.



رابرت شومان، وزیر خارجه
فرانسه در سال ۱۹۵۰
از بنیان‌گذاران اتحادیه اروپا